



## بررسی وضعیت دینداری در ایران

مقاله «بررسی وضعیت دینداری در ایران: (با تأکید بر داده‌های پیمایش‌های سه دهه گذشته)» مهدی فرجی و عباس کاظمی نوشته‌اند و در تابستان ۱۳۸۸ در فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران منتشر شده است. <br>

براساس داده‌های موجود می‌توان ادعا کرد نگرانی در مورد افول دینداری و تنزل وضعیت دینی در ایران چندان موجه نیست. همان‌طور که گفته شد چنین نگرانی به دلیل افزایش توقعات حاکمان از رفتارهای دینی مردم (به دلیل در دستور کار قرار گرفتن دینی‌سازی جامعه بعد از انقلاب) و به‌طور هم‌زمان گسترش نظریه‌های سکولار شدن در دهه اخیر بوده است. این نگرانی موجب دامن‌زدن به طیف جدیدی از برنامه‌های دینی‌سازی در جامعه شده، تبلیغات رسانه‌ای جوانان را مخاطب خود قرار داده‌اند و بخش عمده‌ای از تحقیقات سازمان‌ها بر دینداری جوانان اختصاص یافته است؛ به‌گونه‌ای که ۷۲ درصد تحقیقات در زمینه سنجش دینداری بر جوانان متمرکز بوده‌اند (کاظمی و فرجی، ۱۳۸۵). جالب آن است که نماد دینداری نه در توجه به خدا و غنای تجربه‌های دینی بلکه بر نوعی فرمالیسم دینی و رفتارهای ظاهری متمرکز بوده است، به‌گونه‌ای که ۷۰ درصد تحقیقات دینی بر سنجش مناسک دینی افراد متمرکز بوده‌اند. بنابراین غالب این محققان، تضعیف بخشی از ظواهر دینی و ایدئولوژیکی را تضعیف دینداری قلمداد کرده‌اند. در این مقاله مشخص شد که نه تنها رفتارهای دینی افراد نسبت به سال‌های گذشته چندان تفاوتی نداشته، بلکه در برخی از اشکال نیز گسترش داشته است.

در اینجا این پرسش طرح می‌شود که آیا داده‌ها و مباحث مطرح‌شده در این مقاله کفایت لازم را برای پاسخ‌گفتن به پرسش اولیه در مورد چگونگی وضعیت دینداری در ایران دارند؟

حقیقت این است که در اینجا تنها می‌توانیم براساس داده‌های موجود، گمانه‌زنی‌هایی انجام دهیم و حول چنین پرسشی تأملاتی داشته باشیم. شکی نیست داده‌های موجود در ایران در زمینه سنجش دینداری ناکافی است. اعتبار و روایی داده‌های موجود جای بحث دارد و همچنین کمتر پژوهشی براساس مدلی خاص، وضعیت دینداری جامعه آماری‌اش را مطالعه کرده است. ضعف پیمایش و روش‌های دقیق کمی در ساختن گویه‌ها، مقیاس‌ها و جمع‌آوری داده‌ها کاملاً مشهود است. همان‌طور که گفته شد، ما در این مقاله ادعای غیرقابل‌مناقشه‌ای طرح نکردیم، در عین حال تأکید می‌کنیم تاکنون افول وضعیت دینداری در هیچ پژوهشی تأیید نشده است. همین موضوع بر استحکام ادعای ما می‌افزاید.

براساس آنچه موجود است، تمامی چهار بعد دینداری (مناسکی، اعتقادی، تجربی و پیامدی) روند مشخصی را طی نکرده‌اند. اعتقادات دینی در سطح بسیار بالایی قرار دارند و حتی در برخی موارد افزایش یافته‌اند. تجربه‌های دینی نیز همچون اعتقادات دینی روندی روبه‌رشد یا ثابت را داشته است. پیامدهای دینی به دلیل فقدان داده‌های کافی و معتبر، روند نامشخصی دارد، در برخی موارد طی چند سال اخیر کاهش داشته و در برخی موارد افزایش یافته است.

اما بیشترین داده‌ها و بیشترین نوسانات، در مناسک فردی و جمعی دینی قابل‌مشاهده است. در اعمال فردی دینی از سال ۱۳۵۳ تاکنون نماز خواندن تغییر خاصی نداشته است. اما از همین سال تاکنون روزه‌گرفتن سیر

صعودی در پیش گرفته است. سایر اعمال فردی دینی مثل قرآن خواندن نیز روند روبه‌رشدی داشته است. در میان مناسک جمعی دینی مسجدرفتن، رفتن به نماز جماعت و نماز جمعه از روندی نزولی برخوردار است. کاهش این اعمال هم نسبت به ابعاد دیگر و هم نسبت به گذشته خودشان قابل‌مشاهده است. اما سایر اعمال جمعی دینی مثل شرکت در مجالس روضه‌خوانی، هیئت‌های عزاداری و زیارت اماکن مذهبی تقریباً ثابت یا درحال‌رشد بوده است. شاید پژوهشگران دینی چنین رخدادی را با پدیده بی‌شکلی دینی یا سیاست‌زدایی از حریم دینی تعبیر کنند. این مسئله‌ای است که تبیین آن نیازمند تأمل بیشتری است.

همان‌طور که گفته شد، پرسش از «میزان» موجب طرح پرسش‌های کمی برای اندازه‌گیری دینداری افراد شده است. جدا از بحث پیرامون امکان اندازه‌گیری میزان دینداری افراد، می‌توان این سؤال را طرح نمود که آیا مقیاس‌های موجود به‌راستی ابعاد دینداری را سنجش کرده‌اند. در زمینه رفتارهای دینی یا حتی اعتقادات دینی آسان‌تر می‌توان دآوری کرد. چراکه پرسش از رفتارها و اعتقادات از طریق پرسشنامه معقول‌تر است، اما این قضیه برای برخی دیگر از ابعاد دینی چون تجربه‌های دینی متفاوت می‌شود. اینکه آیا گویه‌ها به‌راستی تجربه‌های دینی افراد را اندازه‌گیری کرده‌اند، به‌سختی می‌توان در مورد چنین مسئله‌ای دآوری کرد.

لینک دریافت مقاله از فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران